

سرمقاله

ما و پیچیدگی روابط با پاکستان

حفیظ الله زکی

سوج حملات انتحاری روزهای اخیر، ناراضیاتی شدید مردم را از سیاست های حکومت در قبال روند صلح، به دنبال داشته است. در زمان رییس جمهور قبلی مناسبات افغانستان با پاکستان به شکل کجدار و مریز ادامه یافت و با آن که رییس جمهور بیست و یک بار در آن کشور سفر داشت؛ اما دستاورد عملی این سفرها در ارتباط به صلح و امنیت بسیار ناچیز بود.

پس از تشکیل حکومت وحدت ملی، رییس جمهور با توجه به نقش و اهمیت پاکستان در روند صلح، تلاش کرد تا به طور مستقیم و غیر مستقیم، حاکمان پاکستان را ناعانت دهند که منافع سیاسی و اقتصادی پاکستان در امنیت افغانستان هم تأمین شده می تواند. پاکستان نیز با روی کار آمدن حکومت جدید فرصت را برای تحکیم مناسبات دو کشور و آب شدن یخ های روابط سیاسی میان دو کشور هموار کرد. دیدارهای گرم و بی هم مقامات بلندپایه سیاسی، نظامی و استخباراتی دو کشور فضای تنش آلود گذشته را به یک فضای خوشبینی و قابل اعتماد تبدیل کرده بود.

همین خوشبینی ها سبب شد که رییس جمهور روابط با پاکستان را بر روابط باهند ترجیح دهد که این امر در همان زمان با انتقادات شدید کارشناسان مواجه گردید. گمان می رفت که ارگ نشینان بی اندازه به وعده های پاکستان خوشبینی نشان می دهد و با توجه به سیاست های روشن پاکستان در منطقه و افغانستان، ممکن است این خوشبینی ها به ضرر منافع ملی افغانستان تمام شود و افغانستان در برزخ بیم و امید ممکن است امتیازاتی به پاکستان بدهد که به نفع این کشور نباشد. این نگرانی با اعضای پیمان امنیتی میان دو کشور به اوج خود رسید و اعتراضات پیروانی را در بیرون و درون حکومت وحدت ملی به وجود آورد. همزمان با این نگرانی ها، روزنه های جدیدی که در روند صلح با طالبان به وجود آمد، حداقل این خوشبینی میان مردم را سبب شد که با برگشت طالبان به زندگی عادی، گرد و غبار ناامنی نیز کاهش یابد. با این که خطر جایگزینی داعش به جای طالب همچنان باقی است؛ اما مردم باز هم صلح با طالبان را یک گام جدی و ضروری برای دوام ثبات در افغانستان می دانند.

حملات سلسله ای روزهای اخیر در کابل و ولایات که سبب کشته و زخمی شدن صدها تن از شهروندان عادی کشور گردید، خشم و اعتراض مردم را نسبت به گروه طالبان و نیز سیاست های پاکستان در قبال افغانستان شدت بخشید. حکومت نیز در برابر پاکستان اینبار به صراحت، لب به انتقاد گشود.

حالا سؤال این است که آینده روابط ما با پاکستان و به تبع آن، روند صلح با طالبان به کجا خواهد انجامید؟ آیا رهبر جدید طالبان آلتوری که گفته می شود، طرفدار ادامه مذاکرات صلح می باشد؟ آیا پاکستان با روند صلح و تشویق طالبان به پیوستن به این پروسه صادقانه همکاری خواهد کرد؟

اشاره به چند نکته در این زمینه بسیار ضروری می نماید: اول؛ ناامنی در افغانستان ریشه های منطقه ای و بین المللی دارد.

در افغانستان جنگ میان حکومت و طالبان و یا شبکه حقانی نیست. جنگ و تعارض میان منافع و خواست های منطقه ای کشورها در افغانستان است. به این خاطر خواست حکومت و طالبان در زمینه جنگ و صلح تعیین کننده نیست، مگر این که این خواست ها با رویکردهای کلی منظوری و بین المللی همگام و هماهنگ شده باشد. دوم؛ پاکستان تا هنوز از اهداف سیاست عمق استراتژیکش ممکن است دست نکشیده باشد؛ پس رضایت و تأمین خواست پاکستان در پیشرفت روند صلح حایز اهمیت می باشد. سوم؛ در روند صلح، خواست طالبان و رهبران مذهبی پاکستان زیاد مهم نیست. اینها مطابق خواست پاکستان در منطقه عمل می کنند. به این خاطر ما دو گزینه پیشرو داریم که انتخاب همزمان آن دو می تواند مارا در پیشرفت دوامدار صلح کمک کند. گزینه تعامل با پاکستان از طریق تأمین منافع مشروع آن کشور در افغانستان. جلب حمایت های منطقه ای و بین المللی از افغانستان که پاکستان را مجبور سازد، دست از حمایت گروه های هراس افکن بردارد و در راستای صلح و امنیت این کشور تلاش کند.

افغانستان پسا طالبان روابط خارجی گسترده ای با کشورهای منطقه و جهان داشته است. در سالهای اخیر پیمان های استراتژیک و غیر استراتژیک با کشورهای مختلف امضا نموده است و این روابط در تاریخ سیاسی افغانستان بی سابقه بوده است. اما روابط خارجی افغانستان پسا طالبان یک دست و همگرایانه نبوده است و گاه گاهی تنش های را تجربه نموده است که این تنش ها هزینه های برای دولت و مردم افغانستان در پی داشته است. تنش های موجهی که میان افغانستان و پاکستان در چهارده سال گذشته وجود داشته، نمونه ای از بی ثباتی در روابط خارجی افغانستان می باشد. از آنجا که افغانستان و پاکستان پیوند های مشترک اقتصادی، دینی، فرهنگی و امنیتی دارند و سیاست های دو کشور تأثیر مهم بر چگونگی وضعیت امنیت و مسائل مختلف دیگر دارد بررسی روابط خارجی این دو کشور در قبال هدیدگر ضروری می نماید. برای فهم روابط خارجی افغانستان و پاکستان نیازمند درک عناصر و مولفه های می باشیم که در چگونگی برقراری روابط مهم و اساسی می نماید. بررسی تاریخی روابط خارجی افغانستان و پاکستان نیز ما را در درک اتخاذ سیاست خارجی دو کشور در قبال همدیگر کمک می کند.

افغانستان از زمان شکل گیری پاکستان در سال ۱۹۴۸ با عضویت پاکستان در سازمان ملل مخالفت کرد. در زمان ظاهر شاه با صدر اعظمی داوود خان مسئله پشتونستان پیش آمد و داوود خان خط مشری دیورند را تحمیلی خواند و خواهان باز پس گیری مناطق محول شده از پاکستان به افغانستان شد. مسئله پشتونستان روابط خارجی افغانستان و پاکستان را متشنج ساخت و تا مرز جنگ این دو کشور پیش رفتند. در آن زمان اگر چه مسئله رفرائند مطرح شد، اما حزب خدای خدمتگاران به رهبری عبدالغفار آنرا تحریم کرد. زیرا در آن

رفرائند سوالی که از مردم پرسیده می شد این بود که به پاکستان می پیوندید یا به هند و مسئله افغانستان مطرح نشده بود و عبدالغفار خواهان یک کشور به نام پشتونستان بود. بعد از داوود خان در دوران صدر اعظمی موسی شفیق روابط خارجی افغانستان و پاکستان تا حدودی خوب شد و روابط این دو کشور تا حدودی متعادل شد. بعد از کودتای داوود خان افغانستان دچار بی نظمی داخلی شد و حاکمان بیشتر نیروی خود را روی ایجاد نظم و کنترل مناطق داخلی متمرکز ساخت و روابط خارجی کشور اهمیت درجه دوم پیدا کرد و دولت افغانستان تا زمان حکومت فعلی نتوانست روابط خارجی خود را با کشورهای همسایه و کشور های مختلف دیگر به صورت استراتژیک تعریف نماید. بنابراین صحبت از روابط خارجی افغانستان در این مدت طولانی مهم و سردرگم است. اما افغانستان پسا طالبان توانست مسئله روابط خارجی خود را با کشورهای مختلف مورد بررسی قرار دهد. افغانستان در اوائل شکل گیری حکومت پسا طالبان روابط خوب با کشورهای پاکستان داشت زیرا پاکستان یکی از کشورهای حامی ایالات متحده امریکا در امر مبارزه با تروریسم بود. اما زمانی که مبارزه علیه تروریسم به پیروزی نرسید و دولت افغانستان مسئله مصالحه با گروه های شورشی را مطرح کرد، روابط افغانستان و پاکستان تیره گشت.

دولت افغانستان بار ها پاکستان را به پناه دهی گروه های شورشی متهم کرده و پاکستان را لانه ای تروریسم خوانده است. تأکید بیش از اندازه افغانستان بر مصالحه با گروه های شورشی و همکاری نکردن پاکستان در این امر، روابط این دو کشور را تیره تر کرد. مسئله تاریخی (خط دیورند) هم که گاهی میان این دو کشور برجسته شده و حتا درگیری های مرزی را در پی داشته است و این درگیری ها اوج تنش در روابط خارجی افغانستان و پاکستان را

ما و پاکستان؛ گذشته و آینده

محمد رضا رها

نشانی می دهد. سوال این است که آیا روابط خارجی اما مسئله ای که روابط خارجی مسالمت آمیز افغانستان و پاکستان را تهدید می



مردم افغانستان این است که پاکستان سیاست دست یافتن به عمق استراتژیک در افغانستان را دنبال می کند. همین مسئله مایه نگرانی دولتمردان و مردم افغانستان شده است و اگر حکومت اسلام آباد بتواند اعتماد دولت و مردم افغانستان را در این زمینه جلب کند روابط دو کشور بهبود خواهد یافت. عامل یس عنصر دوم در تنش زا کردن روابط افغانستان و پاکستان که بیشتر متوجه پاکستان است موجودیت دوامدار پناهگاه های طالبان و گروه های تروریستی در خاک پاکستان است که این گروه ها صلح، امنیت و ثبات افغانستان را تهدید می کند و عدم اتخاذ اقدامات علیه آنها از سوی دولت پاکستان باعث ناراضیاتی حکومت کابل شده است. در نتیجه باید گفت که مسئله خط دیورند، سیاست پاکستان مبنی بر دست یافتن بر عمق استراتژیک در افغانستان، پناه دادن حکومت پاکستان به گروه های شورشی از عوامل تنش زا در روابط خارجی دو کشور محسوب می گردد. اگر افغانستان و پاکستان بتواند با سیاست خارجی خود تجدید نظر نماید و نسبت به عوامل مذکور سیاست متعادل تر اتخاذ نماید، احتمال بهبود روابط دو کشور وجود دارد.

صنعت فرهنگ سازی و الگوی کلی فرهنگ توده

تندور و، آدورتو / ترجمه: فرهاد سلیمانیان / قسمت سوم

نوزدهم که هرچه بیننده بیشتر سرگرم مزاج در باره یمنه، شکل و ریش مردان زمان گذشته می شود، بیشتر طرفدار آن می شود. سنت موضوع بحث در اینجا، همان واقع گرایی دست دوم و سنسکچ آشناسازی انسان ها با کم شناخته ها است، آن گونه که در گذشته ستون نویسی روزنامه ها آن را اداره می کردند و افرادی از جستار نویسی های پیرو سنت بیو [۱۷] گرفته تا هریس اولیونبرگ [۱۸] پس از آن ها، در حد گسترده ای آن را پیش می بردند. به هنری که در باره ی واقعیت به ما اطلاعات می دهد، از دیرباز دستور مصرفی پیوست شده که به ما در باره ی

هستند که در انتظار چنان سیرک های رمسی (circenses) پرامجرازیی در قالب ادبیات اند. در موسیقی نیز گاهی شوربوت را با جلادهی هنری در بالابراین حد مشابه چایوفسکی و راخمانینف عرضه می کنند. آهنگ های پز طرفدار گرشوین کار دستورهای هارمونی موسیقایی خود را از منابع یاد شده گرفته اند و پاداش این نوآوری بوده که کارهای او هنر بزرگ و نوعی آشنی میان محبوبیت مردمی و فرهیختگی موسیقی به شمار می روند. دیگر کلیشه-کاری و مدرنیسم سازش نا پذیر در هنر به چشم نمی خورد. تبلیغات سوررئالیسم را بلعیده و قهرمانان این جریان از موضع دشمنی بنیادین با فرهنگ به تجاری سازی سوءقصدهای خود علیه فرهنگ برکت بخشیده اند.



هنر آگاهی می دهد و امروزه این دو نوع آگاهی با یکدیگر در آمیخته اند. یکدلی با موضوع چنین هنری مخاطب را نه تنها با آن، بلکه همه را با همه چیز آشنی می دهد. هیچ کس نباید خود را بهتر ببیند. در این وضع میانمابگی تماشاگر همچون نوعی شبایستی به او تلقین می شود. ممکن است یک روز نیز موفق به دریافت جایزه ای عالی به عنوان «جناب مصرف کننده ی عام» [۱۹] شود. مدرن پیرترین شهروندان نیستند که از واپس رانده می شوند. آن ها نیز به درون سینماها می شتابند، همان طور که رمان های فرانتس رفل [۲۰] را می خوانند. آن چه داوید فریدریش اشتراوس [۲۱] همچنان از سر استقلال خود انجام می داد، امروز خود به خود و از بالا، از طریق مافوق ها و بدون خطر و مقاومتی

می گیرند، در حالی که خود نیز آوی مختص و استاندارد مکانیکی را هنگام نواختن با هم می آمیزند. در این چنین آهنگی به گوش می رسد که قاعدتا از راه باز تولید مکانیکی ساخته می شود. نشریه ی «دایجست» به یکی از نام های تجاری بسیار محبوب برای توزیع مطالب ادبی تبدیل شده و فیلم های میانمایه به جای پوشاندن شباهت شان با الگوهای موفق خود به آن افتخار هم می کنند. تمامی فرهنگ توده قاعدتا نوعی سازگاری است. اما ماهیت این سازگاری یعنی همان فیلتر نظام انحصار در الگوی منجمد بومی می شود، همزمان انطباق با مصرف کنندگان است. ویژگی

پیش آمادگی و از پیش-هضم شدگی محصول تولیدی برای مصرف کننده رفته رفته غلبه می کند، توجیه پیدا می کند و تثبیت می شود، در حالی که هر لحظه به همان کسانیا اتکا دارد که دیگر قادر نیستند چیزی جز محصول از پیش-هضم شده و از پیش آماده را هضم کنند و بپذیرند. اینجا، محصول تولیدی شبیه غذای نوزاد می شود: خوداندیشی مداوم بر اصرار کودکانی تکرار در بر آوردن نیازهایی استوار است که این ذهنیت پدید می آورد.

بر همین اساس نیز با میراث فرهنگی گذشته رفتار می کنند. در این روند از آن ها چیز دستمایه های زخمخت تاریخ سیاست و فرهنگ و درخشش نام های بزرگ بازمانده از گذشته چیزی باقی نمی ماند که برجستگان امروزی بتوانند با آن ها همبستگی بی قید و شرط داشته باشند. برای این منظور سرگرمی را طی تماس مداوم با ذهنیت رونق باخته ی میراث گذشته تا حدی بالا می برند که این تفریح نیز به تمرین های اجباری برای آگاهی یابی از ارزش های فرهنگی استحال می شود.

تساوت میان تولید فرهنگی «جدی» و «سبک» یا زوده می شود یا آن را سازمان دهی می کنند و به واسطه ی این روند تولید فرهنگی را در کلیتی بزرگ می گنجانند. در مورد رمان های منتقد اجتماع که از دم و دستگاه معرفی کتاب های پرفروش تغذیه و پخش می شوند، اینک دیگر نمی توان تشخیص داد که زشت کاری های توصیف شده در آن ها تا چه حد در خدمت سیاهنمایی جامعه و تا چه حد دور از سرگرمی جمعی برای کسانیا

کارتون روز



افغانستان The Daily Afghanistan  
روزنامه  
مدیر مسول: محمد رضا هویدا  
سردبیر: حفیظ الله زکی  
کاریکا توریست: خالق علی زاده  
دبیران: محمد صالحی، علی اصغر زاهدی  
مسئول وب سایت: مهدی صالحی  
آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۲

روزنامه افغانسان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.  
هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.  
مقالات وارده بازگردانده نمی شود.  
مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یاتگر دیدگاه روزنامه افغانسان میباشد.  
روزنامه افغانسان بخش دربی و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانسان است.  
www.dailyafghanistan.com  
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com